



امیرفیض- حقوقدان

بمناسبت سالگرد قیام سوم اسفند رضاشاه کبیر، تحریر حاضر مفتخر به تقدیم حضور ایرانیان پاک نهاد است.

یکی از برآزنده ترین خدمات افتخار آمیز رضاشاه که کمتر مورد نقد و اشاره قرار گرفته است پایان دادن به پروسه کهن برده داری است که این تحریر سعی خواهد کرد تا بتواند حق این مطلب حساس و تاریخی که نیاز به تحقیق جامع دیگر و محققین فعال تری است ادا نماید.

قانون ممنوعیت برده داری

در سال سوم سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر به همت آن پادشاه قانونی از مجلس شورای ملی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۰۷ از مجلس گذشت که متن آن ذیلا مشاهده میشود:

«در کشور ایران هیچکس برده شناخته نمیشود و هر برده به مجرد ورود به خاک ایران و یا آب های ساحلی ایران آزاد خواهد بود. هر کس انسانی را بنام برده بخرد و یا بفروشد و یا رفتار مالکانه دیگری نسبت به انسانی بنماید و یا واسطه معامله و یا حمل و نقل برده شود محکوم به یک الی سه سال حبس تادیبی خواهد شد - هر یک از مامورین دولتی مکلف است به محض اطلاع و یا مراجعه کسی که مورد معامله و یا رفتار بردگی واقع شده است فوراً وسایل استخلاص او را فراهم سازد و مراتب را برای تعقیب مجرم به نزدیکترین دادسراها اطلاع دهد»

شان نزول قانون مزبور

تصویب هر قانونی بمناسبت نیازی است که جامعه به آن قانون احساس میکند. بنابراین میتوان گفت که هیچ قانونی بدون انگیزه خاصی بتصویب نمیرسد و همانطور که هر یک از آیات قرآن شان نزولی دارد و بدون مراجعه به آن شان نزول نمیتوان به تفسیر آن آیه رفت؛ قوانین موضوعه هم همین حکم را دارد.

یکی از طرق تحقیق در مسائل اجتماعی که تحقیق رابه آراستگی دقت و اطمینان مزین میسازد این است که تحقیق تنها به صورت قوانین ناظر بر اجتماع مورد تحقیق اکتفا نکند بلکه متوجه علت وضع قانون بشود زیرا که علت وضع قانون بیان کننده زیربنای نیاز جامعه ویا وجود مشکلاتی است که تنها قانون موضوعه میتواند راه حل باشد و محقق از علت و انگیزه قانون است که به مسائل ودانه های مهم تحقیق دسترسی خواهد یافت.

شیوه تحقیق با استفاده از انگیزه و علت وضع قانون، یک سیره عمومی وتائید شده در حقوق اسلامی است و مفسرین و محقق اسلامی تفسیرایات قرآنی رابدون شان نزول (انگیزه آیه قرآن) تفسیر کامل نمیدانند.

با استفاده از آنچه عرض شد اکنون باتفاق به انگیزه و شرائط حاکم بر زمان وضع قانون ۱۳۰۷ نگاه میکنیم تا نتیجه مطلوب با حالت تجسمی درآید.

ملاحظات کلی

نخستین ملاحظه ای که خود نماست این است که قانون مزبور ۲۱ سال بعد از انقلاب مشروطیت وقانون اساسی مشروطه بتصویب رسید و با توجه به فصل حقوق مردم در قانون اساسی که صحبت از آزادی انسان ها و حقوق آنها دارد دیگر چه نیازی به قانون آزادی بردگان در ۲۱ سال بعد از تصویب قانون اساسی مشروطه بوده است؟

پاسخ این ابهام را در انگیزه وضع قانون بردگی میتوان یافت به این معنا که جامعه ایران از بعد از مشروطیت احساس کرد که مشروطیت نتوانسته با قانون اساسی به دوران بردگی ایرانیان پایان دهد و جامعه به یک تحول قانونی برای تامین آزادی انسان ها و رفع بردگی نیاز دارد و به کلامی ساده علیرغم آزادی مشروطیت همچنان برده داری که با اسلام به ایران آمده بود، در ایران رایج بوده است.

قانون اساسی مشروطیت و بردگی

چنانکه میدانید قانون اساسی مشروطیت ایران اقتباس از قانون اساسی بلژیک و فرانسه است که آن قوانین از اعلامیه جهانی حقوق بشر که محصول انقلاب فرانسه است الهام یافته است.

در اصل اول اعلامیه جهانی حقوق بشر فرانسه آمده است:

<افراد بشر آزاد متولد شده و مادام العمر آزاد مانده اند و در حقوق بایکدیگر مساوی اند.>

همانطور که برداشت میشود آزادی در دو جنبه مورد حمایت قرار گرفته یکی آزادی تن و دیگری آزادی و برابری حقوق که آزادی تن همان تحریم بردگی است.

در تنظیم قانون اساسی مشروطیت از آنجا که آزادی تن یعنی تحریم بردگی مخالف با شریعت (اسلام) بود متصدیان مذهب نگذاشتند که بحث آزادی تن در متمم قانون اساسی مشروطه پیاده شود و بجای استفاده از عبارت اعلامیه جهانی حقوق بشر که عینا در قوانین اساسی فرانسه و بلژیک پیاده شده است به ذکر عبارت <تساوی مردم در مقابل قوانین دولتی اکتفا شده است> (اصل دوم متمم قانون اساسی) که چون

بموجب قانون اساسی قوانین دولتی میبایست با همان قوانین شرعی مطابقت داشته باشد، پس نتیجه این میشود که مردم در مقابل قوانین شرعی متساوی الحقوق میباشند و لذا آزادی تن یعنی تحریم بردگی از محدوده قانون اساسی مشروطیت نمیباشد.

آقای دکتر جعفر بوشهری در کتاب حقوق اساسی ایران صریحا اظهار نظر کرده است <در قانون اساسی ایران آزادی تن پیش بینی نشده است>.

تنظیم کنندگان متمم قانون اساسی بمناسبت نفوذ پر قدرت مذهب و متولیان آن نمیتوانستند به آزادی تن که معادل با تحریم برده داری بود در متمم قانون اساسی اقدام کنند و ناچار به همان عبارت گنج کننده در اصل هشتم متمم اکتفا کرده اند.

همینجا این اشاره بجاست که متولیان مذهبی ایران تنها با تحریم بردگی مخالف نبودند با اصل ۱۹ متمم که تحصیل را اجباری میکرد و نیز اصل بیستم که بر آزادی مطبوعات تصریح داشت هم مخالف بودند.

لهذا علیرغم نفرت عمومی جهانیان به مسئله بردگی جریان آن بملاحظه حمایت اسلامی همچنان دوام داشت و برداشت تحقیقی نشان میدهد که ایران تا سال ۱۳۰۷ که به امر رضاشاه تحریم برده داری قانونی شد در هیچ عهد نامه بین المللی با موضوع تحریم برده داری مشارکت نداشته است.

دامنه های نیاز جامعه بشریت

برای پیوند های موضوع این تحریر مناسب است که نگاهی اجمالی به تلاشهای جهانی برای دستیابی به نیاز بشریت یعنی حذف پروسه برده داری داشته باشیم.

★ نظام برده داری قدمتی طولانی دارد که شیوه تولید و اقتصاد جوامع راشکل میداده و برای اولین بار در انقلاب فرانسه یعنی اواخر قرن ۱۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه با آزادی تن انسان ها و حقوق اساسی آنها برده داری را محکوم کرد.

★ انگلستان در سال ۱۷۹۲ به اقدام فرانسه برای ممنوعیت برده داری تاسی کرد ولی با مخالفت پارلمان روبرو شد.

★ در دسامبر ۱۸۴۱ برابر با ۱۲۲۰ شمسی قراردادی بین ۵ کشور اروپایی انگلستان - فرانسه - روسیه - اتریش - پروس رسید که برده داری و خرید و فروش برده را ممنوع میساخت.

★ انگلستان بموازات قرارداد مورخ ۱۸۴۱ بسیار کوشید که قانون مزبور از سوی محمد شاه قاجار هم تائید و اجرا شود.^۱

شل سفیر انگلستان در دربار محمد شاه به حضور شاه عرض میکند <قانون الغای بردگی را دولتهای متمدن پذیرفته اند و تقاضا میکند که دولت ایران نیز در لغو برده داری اقدام کند>.

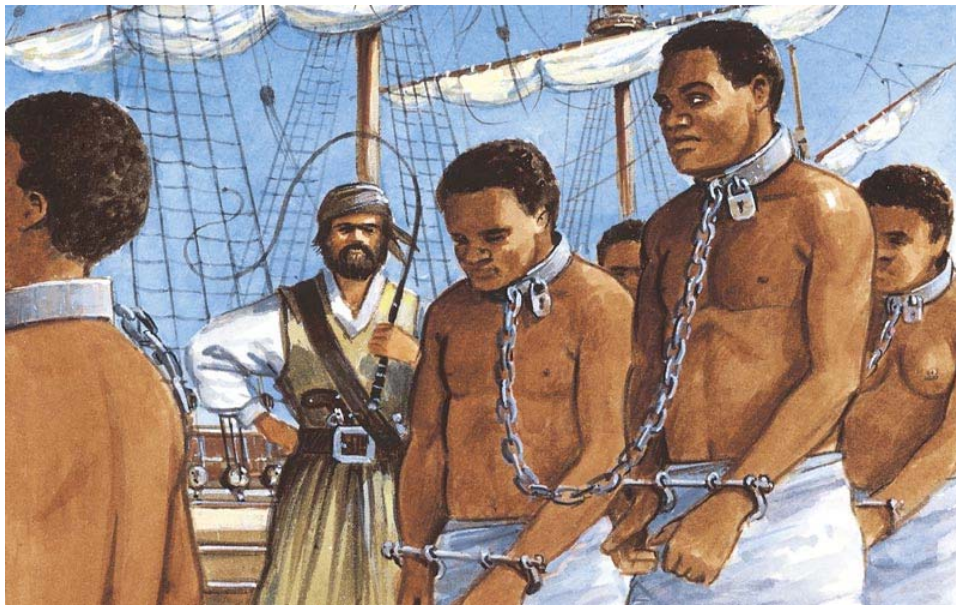
^۱ - نخستین اعلامیه مخالفت با برده داری در ورود صلح آمیز کوروش به بابل بر روی لوحه گلین سیلندر کوروش نوشته است و نخستین سند آزادی تن ها به حساب می آید. در تاریخ پیش از اسلام در هیچ سند تاریخی نشانه ای از برده داری دیده نمی شود؛ تنها پس از یورش تازیان به ایران برده داری و زرخیدی همراه دین اسلام و مذهب شیعه دوران صفوی در برخی بخش های ایران رایج می شود. ح-ک

محمد شاه قاجار جواب میدهد الغای برده داری و برده فروشی برخلاف اصول شریعت و احکام قرآن است و اگر در مذهب دیگر آن زرخرد کارزشتی است دردین ما مشروع است؛ پس چرا چیزی راکه خدا و پیغمبر حلال فرموده حرام اعلام کنیم.

ازنامه شل به پالمرسون تاریخ آدمیت امیرکبیر ۵۱۶

سفیر انگلستان در شرفیابی مجدد حضور محمد شاه عرض میکند؛ سلطان عثمانی و امام مسقط هم برده فروشی را لغو کرده اند.

محمد شاه جواب میدهد ترکان سنی مذهب هستند و با ایران خوب نیستند و امام مسقط هم از خوارج است پس ما که رئیس شیعیان هستیم از نان اقتدا نمیکنیم



سفیر قبلا پیش بینی کرده بود و احادیثی را گردآوری کرده بود که به درد کارش میخورد و یکی از آن احادیث که از قول پیامبر بود که <هرکس آدم فروشی کند بدترین آدمهاست> استناد کرد.

محمدشاه هم بدون درنگ فتوای یکی از عالمان رادر آورد که <باید با کفار جنگ کرد و آنان رابه به بردگی برد تا به دین اسلام درآیند> به سفیر ارائه داد (همان کتاب صفحه ۵۱۷)

حاشیه (علاقمندان به جامع موضوع و بحث های مربوطه میتوانند به مقاله سنگر شماره ۲۸۱ رجوع کنند. (پایان حاشیه)

خوانندگان محترم این تحریر

در ۱۳۴ سال از تاریخ کشور فرانسه در تحریم قانونی بردگی و ۱۰۴ سال از تحریم بندگی بموجب تصمیم جهانی کشورها در ایران هیچ صدائی برای محکوم کردن بردگی وجود نداشت و کماکان بردگی در مسیر شرائط و احکام اسلامی ادامه داشت حتی امیرکبیر که تاریخ بحق از او بعنوان یک شخصیت لایق و کاردان و روشنفکر یاد کرده است و در زمان خود قدرت تصمیم گیری شگرفی داشت ابدا به این مهم نپرداخت

تا زمینه ای شود که دیگران به اتکای آن بتوانند این لکه ننگ را از فرهنگ تحمیلی اسلام به ایرانی پاک کنند و همه این ننگ و داغ را تحمل کردند تا سال ۱۳۰۷ که رضاشاه کبیر آن قائد بزرگ بپاخواست و نظام کهن برده داری را ریشه کن ساخت. به جرات میتوان گفت که فصل آزادی درکشورما با قانون ۱۳۰۷ ضد بردگی افتتاح شد زیرا بآبودن نظام بردگی صحبت از آزادی و برابری صحبت کاغذی بوده است نه اجرائی.

تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطه

قانون لغو برده داری ۱۳۰۷ خلاف اسلام بود و هست همچنانکه حق رای خانم ها خلاف اسلام هست؛ جمهوری اسلامی که مدعی است برطبق موازین شرعی عمل میکند و به اقدامات رضاشاه کبیر عنوان طاغوت میدهد آیا میتواند نظام برده داری را مجددا در ایران برقرار سازد و یا حق رای بانوان که یادگار خدمت شاهنشاه ایران است را ازخانمها سلب کند؟ البته که خیر.

زیرا تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن، مستند تفویض آن حقوق به ملت ایران است که با هفتاد سال سابقه و دستاورد های اقتصادی و اجتماعی عظیم، سرفرازنه پشتیبان جامعه ایرانیان بوده است.

وفاکنیم و ملامت کشیم و شرم کنیم که درطریقت ما کافرست نا دانی